

بِسْمِ اللّٰهِ  
الرَّحْمٰنِ  
الرَّحِیْمِ

قانونہ یار  
امور حسبی

مؤلفین: سید مجتبیٰ موسوی - قائم الدین شعبانی حاجی

انتشارات چتر دانش



موسوی، سیدمجتبی، ۱۳۴۷ -

قانون یار امور حسبی

تهران: چتر دانش، ۱۳۹۴.

۲۶۰ ص.

۹-۵۵-۷۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸

فیبای مختصر

این مدرک در آدرس <http://opac.nlai.ir>

قابل دسترسی است.

: شعبانی حاجی، قائم‌الدین، ۱۳۶۶ -

: ۳۷۵۳۵۵۱

● سرشناسه

● عنوان و نام پدیدآور

● مشخصات نشر

● مشخصات ظاهری

● شابک

● وضعیت فهرست‌نویسی

● یادداشت

● شناسه افزوده

● شماره کتابشناسی ملی

قانون یار امور حسبی

چتر دانش

سید مجتبی موسوی - قائم‌الدین شعبانی حاجی.

ششم - ۱۴۰۱

۵۰۰

۹-۵۵-۷۳۱۶-۶۰۰-۹۷۸

۱۱۰۰۰۰ تومان

● نام کتاب

● ناشر

● مؤلفین

● نوبت و سال چاپ

● شمارگان

● شابک

● قیمت

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خم‌نیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸

تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳

[nashr.chatr@gmail.com](mailto:nashr.chatr@gmail.com)

کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.





## سخن ناشر

رشته حقوق با تمام شاخه‌ها و گرایش‌هایش، به‌منزله یکی از پرتعدادترین رشته‌های دانشگاهی کشور، تعداد فراوانی از دانشجویان علوم انسانی را به‌خود جلب کرده است؛ دانشجویانی که پس از تحصیل، وارد عرصه خدمت شده و در مناصب و جایگاه‌های گوناگون به ایفای وظیفه مشغول می‌شوند.

منابعی که در دانشکده‌های حقوق، مبنای کار قرار گرفته و تحصیل دانشجویان بر مدار آنها قرار دارد، در واقع، مجموعه کتب و جزواتی هستند که طی سالیان متمادی چنان که باید تغییر نیافته و خود را با تحولات و نیازهای زمانه هماهنگ نکرده‌اند. این، درحالی است که نیاز مبرم دانش‌پژوهان به مجموعه‌های پربار و سودمند، امری انکارناپذیر است. به‌این‌ترتیب، ضرورت تدوین کتب غنی و ارزشمند برای رفع نیازهای علمی دانشجویان رشته حقوق و نیز رشته‌های متأثر از آن، باید بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد؛ کتاب‌هایی که روزآمدی محتوای آنها از یک سو و تناسب آنها با نیاز دانش‌پژوهان از سوی دیگر، مورد توجه و لحاظ ناشر و نویسنده، قرار گرفته باشد.

**مؤسسه آموزش عالی آزاد چتر دانش**، در مقام مؤسسه‌ای پیشگام در امر نشر کتب آموزشی روزآمد و غنی، توانسته است گام‌های مؤثری در همراهی با دانشجویان رشته حقوق بردارد. این مؤسسه افتخار دارد که با بهره‌مندی از تجربیات فراوان خود و با رصد دقیق نیازهای علمی دانشجویان، به تولید آثاری همت‌گمارد که مهم‌ترین دستاورد آنها، تسهیل آموزش و تسریع یادگیری پژوهندگان باشد. انتشارات چتر دانش امیدوار است با ارائه خدمات درخشان، شایستگی‌های خود را در این حوزه علمی بیش از پیش به منصه‌ی ظهور برساند.

فرزاد دانشور

مدیر مسئول انتشارات چتر دانش



ماحصل آموخته‌هایم را تقدیم می‌کنم به آتاج که مهر آسمان‌شاخ آرازم بفرست

آلام زمین‌رام است:

به استوارترین تکیه گاهم؛ دستاخ پر مهر پدرم

به سبزترین نگاه زندگیم؛ چشمخ سبز مادرم

که هرچه آموختم در مکتب عشق شما آموختم و هرچه بقوشم قطره‌ای

از دریای سرکراخ مهر بانیتاخ را سپاسر نتوانم بگویم.

امروز هسترام به امید شماست و فردا کلید باغ بهیستم رضای شما

ره آوردر گراخ سنگ تر از اینج. از زانج نداشتم تا به خاک پایتاخ نثار

کنم. باشد که حاصل تلاشم نسیم گونه، غبار خستگی‌تاخ را بزداید.

بوسه بر دستاخ پر مهرتاخ

«قائم الدین شعبانر حابصر»

# فهرست

۸	قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲.....
۸	باب اول: در کلیات.....
۳۸	پاسخنامه باب اول.....
۴۰	باب دوم: در قیمومت.....
۴۰	فصل اول: صلاحیت دادگاه قیمومت.....
۴۵	فصل دوم: ترتیب تعیین قیم.....
۶۰	فصل سوم: اختیارات و مسئولیت قیم.....
۷۰	نظامنامه دفتر امور محجورین و تحریر ترکه مصوب ۱۳ مرداد ماه ۱۳۱۶.....
۷۶	فصل چهارم: عزل قیم.....
۸۲	از قانون مدنی مصوب ۱۳ و ۱ مهرماه و ۸ آبان ۱۳۱۴.....
۸۸	پاسخنامه باب دوم.....
۹۰	باب سوم: امور راجع به امین.....
۱۰۲	پاسخنامه باب سوم.....
۱۰۳	باب چهارم: راجع به غائب مفقودالاثر.....
۱۰۳	فصل اول: در صلاحیت دادگاه.....
۱۰۵	فصل دوم: در تعیین امین.....
۱۰۸	فصل سوم: دادن اموال به طور موقت به تصرف ورثه.....
۱۱۶	فصل چهارم: در حکم موت فرضی.....
	از قانون اعتبار گواهی بنیاد شهید انقلاب اسلامی در خصوص حکم موت فرضی غایبان مفقودالاثر
۱۲۳	انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در محاکم صالح مصوب ۱۳۷۶/۱/۲۰.....
۱۲۴	از قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳/۱۲/۲۷.....

۱۲۷	پاسخنامه باب چهارم .....
۱۲۸	باب پنجم: در امور راجع به ترکه .....
۱۲۸	فصل اول: در صلاحیت .....
۱۳۱	فصل دوم: در مهر و موم .....
۱۴۳	فصل سوم: در برداشتن مهر و موم .....
۱۴۸	فصل چهارم: در تحریر ترکه .....
۱۵۶	فصل پنجم: راجع به دیون متوفی .....
۱۵۶	مبحث اول: استیفاء دین از ترکه .....
۱۶۵	مبحث دوم: قبول ترکه .....
۱۶۹	مبحث سوم: رد ترکه .....
۱۷۲	مبحث چهارم: قبول دیون مطابق صورت تحریر ترکه .....
۱۷۴	مبحث پنجم: تصفیه .....
۱۸۱	فصل ششم: راجع به وصیت .....
۱۸۶	آئین‌نامه راجع به مواد ۲۷۹ و ۲۸۸ قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۲۲ وزارت دادگستری.....
۱۹۷	آیین‌نامه راجع به ماده ۲۹۹ قانون امور حسبی مصوب سال ۱۳۲۲ وزارت دادگستری.....
۱۹۹	فصل هفتم: در تقسیم .....
۲۱۰	از قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب ۱۳۵۷/۸/۲۲ .....
۲۱۱	آیین‌نامه قانون افراز و فروش املاک مشاع مصوب آذر ماه سال ۱۳۵۷ مصوب ۱۳۵۸/۲/۲۰.....
۲۱۲	فصل هشتم: در ترکه متوفای بلاوارث.....
۲۱۶	فصل نهم: راجع به ترکه اتباع خارجه .....
۲۲۶	فصل دهم: در تصدیق انحصار وراثت.....

۲۳۴.....	از قانون تصدیق انحصار وراثت مصوب ۱۳۰۹/۷/۱۴ با اصلاحات بعدی.....
۲۳۷.....	از قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸.....
۲۴۹.....	پاسخنامه باب پنجم.....
۲۵۴.....	باب ششم: در هزینه.....
	از آئین‌نامه حق‌الزحمه مدیر تصفیه و مدیر ترکه موضوع قانون امور حسبی مصوب ۱۳۲۶/۴/۱ وزارت
۲۵۷.....	دادگستری با اصلاحات شورای عالی قضائی در جلسه ۴۲۲ - ۱۳۶۲/۴/۱.....
۲۵۹.....	پاسخنامه باب ششم.....
۲۶۰.....	منابع.....

## قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹/۴/۲

### باب اول: در کلیات

**ماده ۱-** امور حسبی اموری است که دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه دعوی از طرف آن‌ها باشد.

**نکته ۱:** حسبه اسم مصدر و در لغت به معنای کفایت و تدبیر است. امور حسبی امور خیرخواهانه‌ای است که شارع بر آن‌ها تاکید و ترغیب نموده است تا تحقق یابند و شارع راضی به ترک آن امور نیست و عدم تصدی آن‌ها سبب اختلال در نظام و وظایف اسلامی می‌شود.

**نکته ۲:** تکلیف دادگاه‌ها در رسیدگی به امور حسبی متوقف بر وقوع اختلاف و اقامه دعوی نیست ولی در عین حال اگر اختلافی هم وجود داشته باشد، موضوع، تحت رسیدگی دادگاه، به امور ترافعی مبدل نمی‌شود بلکه کماکان امری حسبی است. بنابراین عناوینی که در قانون امور حسبی پیش بینی شده است، اصولاً ماهیتی حسبی دارند و در شمار امور حسبی قرار می‌گیرند حتی اگر تصمیم دادگاه مستلزم انشاء حکم باشد.

**نکته ۳:** برای تشخیص امور حسبی در حقوق ایران قاعده‌ی کلی آن است که اگر طبع امر مورد درخواست ایجاب نماید که طرف مقابلی وجود نداشته و در عین حال، نظارت و مداخله‌ی قاضی لازم باشد، با امر حسبی روبرو خواهیم بود و این امر منتهی به عمل حسبی خواهد شد.

**نکته ۴:** تکلیف رسیدگی به امور حسبی ابتدا متوجه دادگاه است و دادستان مطابق ماده ۲۰ قانون امور حسبی، تنها در مواردی که تصریح شده باشد حق و تکلیف دخالت دارد.

**نکته ۵:** در رسیدگی به امور حسبی ضرورت ندارد که طرفین با هم اختلاف داشته باشند یا شخصی که اطلاع می‌دهد خود، شخصاً ذینفع باشد. بلکه به صرف اطلاع دادگاه از موضوع و درخواست یکی از طرفین یا هر شخصی که حتی نفعی هم در دعوا ندارد، دادگاه مکلف است نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیم مناسبی اتخاذ نماید.

**نکته ۶:** از مصادیق امور حسبی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- حفظ اموال غایب ۲- حفظ و نظارت بر اموال صغاری که ولی قهری ندارند ۳- حفظ اموال متوفای بلا وارث ۴- نگهداری اموال مجهول المالک ۵- حفظ و نگهداری اموالی که برای مصارف عمومی بوده و مدیری ندارد ۶- درخواست صدور گواهی حصر ورثه.

**نکته ۷:** در امور حسبی، مقام دادستان و دادگاه نظارت نهایی خواهند داشت. این مسائل، دعوای



خصوصی تلقی نمی‌شود و به دلیل ماهیت عمومی آن‌ها است که بر حسب ماده ۱ قانون امور حسبی تکلیف اولیه برای حل و فصل، به عهده‌ی دادگاه می‌باشد. حال آنکه دعاوی مدنی معمولی، تکلیف اولیه و بدون درخواست را متوجه دادگاه نمی‌کند. جریان این امور (حسبی) نیازمند اختلاف، نزاع یا دادرسی نیست. بنابراین از عنوان «دعوا» نیز خروج موضوعی دارد. بدیهی است، اگر در جریان رسیدگی به این امور نیز اختلافی حاصل گردد، وصف عمومی و حسبی بودن را از بین نمی‌برد.



#### ۱- امور حسبی اموری است که .....

الف) با درخواست ذی‌نفع شروع شده و دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند. بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه‌ی دعوا از طرف آن‌ها باشد.

ب) دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند بدون اینکه رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه‌ی دعوا از طرف آن‌ها باشد.

ج) دادگاه‌ها مکلفند نسبت به آن امور اقدام و تصمیمی اتخاذ نمایند و رسیدگی به آن‌ها متوقف بر وقوع اختلاف و منازعه بین اشخاص و اقامه‌ی دعوا از طرف آن‌ها باشد.

د) دادگاه‌ها مختارند به آن امور اقدام نموده و تصمیمی اتخاذ نمایند و صرفاً با تقاضای ذی‌نفع رسیدگی صورت می‌پذیرد.

**ماده ۲- رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد مگر آنکه خلاف آن مقرر شده باشد.**

**نکته ۱:** به نظر می‌رسد قانونگذار با ذکر این جمله که «رسیدگی به امور حسبی تابع مقررات این باب می‌باشد»، رسیدگی شکلی به امور حسبی را در نظر گرفته است، چون رسیدگی ماهوی به امور حسبی در باب‌های دیگر ذکر شده است و باب کلیات، صرفاً به امور شکلی رسیدگی پرداخته است.

**نکته ۲:** ماهیت امور حسبی به نحوی است که می‌توان آن را ترکیبی از قواعد جزایی و مدنی دانست؛ زیرا اصل سرعت، رسیدگی‌های فوق‌العاده، دخالت گسترده دادستان و دیگر خصایصی که با حقوق جزا همراه است، در دعاوی مدنی به چشم نمی‌خورد مگر در موارد محدود، اما امور حسبی از این خصایص برخوردار است. از سوی دیگر نیز نمی‌توان منکر حضور قواعد مدنی در امور حسبی شد، از جمله در خصوص مرجع صالح برای رسیدگی که قانونگذار، دادگاه‌های حقوقی را صالح دانسته است یا بسیاری از موضوعات مربوط به امور حسبی که با درخواست به عمل می‌آیند، هر چند دعوایی درخصوص آن محقق نشده باشد. همچنین مقررات آیین دادرسی که در مورد امور حسبی اعمال می‌شود، همان مقررات آیین دادرسی مدنی است.

**نکته ۳:** با عنایت به ماده ۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۲ قانون امور حسبی، دادگاه ها برای رسیدگی به امور حسبی باید اصول و قواعد مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی را رعایت کنند مگر اینکه در قانون امور حسبی نص خاصی وجود داشته باشد (نظیر ماده ۱۴ و ۱۵ قانون امور حسبی).

**نکته ۴:** به موجب بندهای ۱۲، ۱۳ و ۱۵ ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، رسیدگی به امور حسبی در صلاحیت دادگاه خانواده است. همچنین طبق ماده ۸ همان قانون، رسیدگی در دادگاه خانواده بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می شود.



### ماده ۳- رسیدگی به امور حسبی در دادگاه های حقوقی به عمل می آید.

**نکته ۱:** به موجب بند ت ماده ۹ قانون شوراها حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴، صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن، در صلاحیت شورای حل اختلاف قرار داده شده است.

**نکته ۲:** مطابق ماده ۴ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱، رسیدگی به امور رشد، حجر و رفع آن و ولایت قهری، قیمومت، امور مربوط به ناظر و امین اموال محجوران و وصایت در امور مربوط به آن ها و همچنین امور راجع به غایب مفقودالاندر، در صلاحیت دادگاه خانواده است.



#### ۲- رسیدگی به امور مسبی تابع کدام قانون است؟ (مشاوران ۱۳۸۰)

- الف) قانون امور حسبی  
ب) قانون آیین دادرسی مدنی  
ج) قانون امور حسبی مگر آن که خلاف آن مقرر شده باشد.  
د) قانون مدنی

#### ۳- صدور حکم مجر و رفع مجر در صلاحیت کدام مرجع است؟ (مشاوران ۱۳۸۷)

- الف) دادگاه عمومی حقوقی  
ب) دادگاه خانواده  
ج) شورای حل اختلاف  
د) دادستان عمومی و انقلاب محل

#### ۴- تمریر ترکه متوفی در صلاحیت کدام مرجع است؟ (مشاوران ۱۳۸۷)

- الف) حسب مورد دادرسی یا دادگاه بخش  
ب) دادگاه عمومی حقوقی  
ج) دادگاه خانواده  
د) شورای حل اختلاف

#### ۵- رسیدگی به امور مسبی در صلاحیت کدام مرجع است؟ (مشاوران ۱۳۸۸)

- الف) شورای حل اختلاف

ب) حسب مورد شورای حل اختلاف و دادگاه خانواده

ج) حسب مورد در شورای حل اختلاف- دادگاه خانواده و دادگاه عمومی حقوقی

د) حسب مورد در محاکم دادگستری، شورای حل اختلاف و مراجع شبه قضایی مثل کمیسیون مستقر در اداره ثبت احوال شهرستان‌ها.

**ماده ۴-** در موضوعات حسبی هرگاه امری در خارج از مقر دادگاهی که کار در آنجا مطرح است باید انجام شود دادگاه مزبور می‌تواند انجام امر را به دادگاهی که کار در حوزه آن باید بشود ارجاع نماید و در این صورت دادگاه نامبرده امر ارجاع شده را انجام و نتیجه را به دادگاه ارجاع کننده امر می‌فرستد.

**نکته ۱:** مطابق ماده ۲۹۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «در هر موردی که رسیدگی به دلایلی از قبیل تحقیقات از مطلعین و گواهان یا معاینه محلی و یا هر اقدام دیگری که می‌بایست خارج از مقر دادگاه رسیدگی کننده به دعوا انجام گیرد و مباشرت دادگاه شرط نباشد، مرجع مذکور، به دادگاه صلاحیت‌دار محل نیابت می‌دهد تا حسب مورد اقدام لازم معمول، و نتیجه را طی صورت‌مجلس، به دادگاه نیابت دهنده ارسال نماید. اقدامات مذکور در صورتی معتبر خواهد بود که مورد وثوق دادگاه باشد».

**نکته ۲:** به موجب ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «در نیابت تحقیقات قضایی خارج از کشور، دادگاه نحوه‌ی بررسی و تحقیق را برابر قوانین ایران تعیین، و از دادگاه خارجی که به آن نیابت داده می‌شود می‌خواهد که براساس آن، کار تحقیقات را انجام دهد. در صورتی که دادگاه یاد شده به طریق دیگری اقدام به بررسی و تحقیق نماید، اعتبار آن منوط به نظر دادگاه خواهد بود».



**۶- در امور حسبی، هرگاه امر در خارج از مقر دادگاهی که آن امر در آنجا مطرح است باید انجام شود.....**

الف) دادگاه مزبور مخیر است انجام امور را به دادگاهی که در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع دهد و دادگاه مرجوع الیه مخیر به انجام آن است.

ب) دادگاه مزبور باید انجام امر را به دادگاهی که کار در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع می‌نماید و دادگاه مرجوع‌الیه مخیر به انجام آن است.

ج) دادگاه مزبور مخیر است انجام امور را به دادگاهی که کار در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع نماید و دادگاه مرجوع الیه مکلف به انجام آن است.

د) دادگاه مزبور باید انجام امر را به دادگاهی که در حوزه‌ی آن باید انجام شود ارجاع دهد و دادگاه مرجوع الیه مکلف به انجام آن است.

**ماده ۵-** مقررات راجع به نیابت قضائی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی خواهد بود.

(مشاوران ۸۴)

### ۷- کدام گزینه صحیح است؟

- الف) مقررات راجع به نیابت قضایی که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده شامل امور حسبی است.  
 ب) امور حسبی درباره نیابت قضایی مقررات ویژه‌ای دارد و از آیین دادرسی مدنی پیروی نمی‌کند.  
 ج) در امور حسبی نیابت قضایی پذیرفته نمی‌شود.  
 د) هیچکدام.

**ماده ۶-** در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به موضوع صالح باشند دادگاهی که بدواً به آن رجوع شده است رسیدگی می‌نماید.

**نکته ۱:** تخییر در صلاحیت موضوع این ماده، تخییر بدوی است؛ به این معنی که اگر دادگاه شروع به رسیدگی نمود، نمی‌توان دادگاه دیگری را صالح دانست.

**نکته ۲:** هر گاه متوفی اقامتگاه مشخصی نداشته و در چند حوزه قضایی دارای اموال غیرمنقول باشد، و وراثت هم در چند حوزه قضایی مختلف تقاضای رسیدگی به موضوعات امور حسبی نمایند، دادگاهی برای رسیدگی به موضوع صالح است که بدواً به آن رجوع شده است.

**نکته ۳:** مطابق ماده ۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «دعای مربوط به اموال غیرمنقول اعم از دعای مالکیت، مزاحمت، ممانعت ازحق، تصرف عدوانی و سایر حقوق راجع به آن در دادگاهی اقامه می‌شود که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است، اگرچه خوانده در آن حوزه مقیم نباشد».



**۸-** در صورتی که دو یا چند دادگاه برای رسیدگی به امری از امور مسبی صالح باشند، .....

- الف) دادگاهی که بدواً به آن رجوع شده است صالح است.  
 ب) دادگاهی که افراد بیشتری از طرفین موضوع در آن اقامت دارند صالح است.  
 ج) دادگاهی که اجرای تصمیم در آن به تشخیص رئیس حوزه قضایی سهل‌تر می‌نماید صالح است.  
 د) دادگاهی که به تشخیص رئیس حوزه قضایی معین می‌گردد صالح است.

**ماده ۷-** در صورت حدوث اختلاف در صلاحیت دادگاهها رفع اختلاف به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی به عمل می‌آید.

**نکته ۱:** هرگاه بین دو دادگاه بدوی از حوزه قضایی یک استان اختلاف شود؛ حل اختلاف با دادگاه تجدیدنظر استان خواهد بود (ماده ۲۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹).

**نکته ۲:** در صورتی که اختلاف در صلاحیت بین دادگاه‌های بدوی از حوزه قضایی دو استان واقع شود، مرجع حل اختلاف، دیوان عالی کشور می‌باشد (تبصره ماده ۲۷ قانون آ.د.م مصوب ۱۳۷۹).

**نکته ۳:** هرگاه بین دیوان عالی کشور و دادگاه تجدیدنظر استان و یا دادگاه تجدیدنظر استان با دادگاه بدوی در مورد صلاحیت اختلاف شود، حسب مورد، نظر مرجع عالی لازم الاتباع است (ماده ۳۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹).

**نکته ۴:** هرگاه دادگاه رسیدگی کننده به امور حسبی به صلاحیت مرجع غیر قضایی اظهار نظر کند، تعیین مرجع صالح برای رسیدگی با دیوان عالی کشور خواهد بود.



**۹- در صورت افتلاف در صلاحیت در امور مسبی، رفع افتلاف با کدام دادگاه است؟ (مشاوران ۱۳۸۱)**

الف) با دادگاه عمومی هم عرض

ب) با دادگاه تجدید نظر استان

ج) اگر بین دو دادگاه عمومی در یک استان باشد با دادگاه تجدید نظر استان و الا با دیوان عالی کشور

د) با دادگاه محل سکونت متقاضی

**ماده ۸- دادرس باید در موارد زیر از مداخله در امور حسبی خودداری کند:**

۱- اموری که در آن‌ها ذینفع است.

۲- امور راجع به زوجه خود (زوجه که در عده طلاق رجعی است در حکم زوجه است).

۳- امور اقرباء نسبی و سببی خود در درجه یک و دو از طبقه اول و درجه یک از طبقه دوم.

۴- امور راجع به اشخاصی که سمت ولایت یا قیمومت یا نمایندگی نسبت به آن‌ها دارد.

**نکته:** در صورت وجود یکی از جهات رد، دادرس می‌بایست با صدور قرار امتناع از رسیدگی، از مداخله در امور حسبی خودداری کند.



**ماده ۹- در موارد خودداری دادرس، هرگاه در آن حوزه دادرس صلاحیت‌دار برای رسیدگی**

نباشد رسیدگی به دادگاه نزدیک‌تر ارجاع می‌شود.

**۱۰- در موارد فودداری دادرس از رسیدگی به امور مسبی .....**

- الف) در صورت توافق طرفین، دادرس رسیدگی می‌کند.
- ب) با نظر شعبه اول دادگاه عمومی مرکز استان، برای ارجاع، به حوزه‌ی دیگری فرستاده می‌شود.
- ج) اگر در آن حوزه دادرس صلاحیت‌دار برای رسیدگی نباشد، به رئیس حوزه‌ی قضایی ارجاع شده و مطابق تصمیم او عمل خواهد شد.
- د) در صورت عدم وجود دادرس صلاحیت‌دار در آن حوزه، رسیدگی به دادگاه نزدیک‌تر ارجاع می‌شود.

**ماده ۱۰-** در موارد ماده ۸ دادرس باید از رسیدگی خودداری نماید ولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند به استناد این ماده دادرس را رد نمایند.

**نکته:** در این ماده برای عدم خودداری دادرس از رسیدگی به موضوعات امور حسبی در صورت وجود یکی از جهات رد، ضمانت اجرای قانونی پیش‌بینی نشده و همین امر ضعف این ماده را می‌رساند.

**۱۱- چنانچه دادرس در رسیدگی به امور مسبی مشمول رد باشد کدام گزینه صحیح است؟**

(مشاوران ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰)

- الف) باید از رسیدگی خودداری کند و اشخاص ذینفع می‌توانند دادرس را رد نمایند.
- ب) باید از رسیدگی خودداری کند ولی اشخاص ذینفع نمی‌توانند دادرس را رد نمایند.
- ج) رعایت موارد رد برای دادرس الزامی نیست حتی اگر اشخاص ذینفع دادرس را رد نمایند.
- د) در صورتی که اشخاص ذینفع دادرس را رد نمایند می‌بایست از رسیدگی خودداری نمایند.

**ماده ۱۱-** عدم صلاحیت محلی دادگاه یا خودداری دادرس از مداخله در خصوص امری رافع آثار قانونی اقدام یا تصمیمی که به عمل آمده است نخواهد بود.

**نکته ۱:** هر گاه قاضی در حال رسیدگی به امور حسبی مطرح شده در دادگاه متوجه شود دادگاه صلاحیت برای رسیدگی را ندارد، در هر مرحله از دادرسی که باشد، اقدامات به عمل آمده و تصمیمات متخذ از سوی وی دارای آثار و ارزش حقوقی خواهد بود و می‌بایست پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به دادگاه صالح ارسال کند.

**نکته ۲:** به موجب ماده ۳۵۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ «هر گاه دادگاه تجدیدنظر، دادگاه بدوی را فاقد صلاحیت محلی یا ذاتی تشخیص دهد، رأی را نقض و پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌دارد».

بند ۱ ماده ۳۷۱ این قانون نیز فقدان صلاحیت محلی دادگاه صادرکننده رأی را در صورتی که نسبت به آن ایراد شده باشد از جهات نقض می‌داند. با این وجود با ملاحظه‌ی ماده ۱۱ قانون امور حسبی باید گفت که هیچ تصمیمی از دادگاه به دلیل عدم رعایت قواعد صلاحیت نقض نمی‌شود اعم از اینکه ایراد شده باشد یا خیر.



**ماده ۱۲- روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.**

**نکته:** تشخیص فوریت رسیدگی به امور حسبی، با دادرس رسیدگی‌کننده به درخواست خواهد بود.



#### ۱۲- کدامیک از گزینه‌های زیر صمیع است؟

- الف) در روزهای تعطیل رجوع به دادرس ممکن نیست مگر اینکه امر از امور فوری باشد.  
 ب) روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد حتی درخصوص امور فوری.  
 ج) روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس می‌تواند رسیدگی را در روزهای تعطیل به تاخیر اندازد مگر اینکه امر از امور فوری باشد.  
 د) روزهای تعطیل مانع از رجوع به دادرس در امور حسبی نیست ولی دادرس در صورت عدم ایراد ذینفع می‌تواند رسیدگی را به تاخیر اندازد.

**ماده ۱۳- درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا زبانی باشد- درخواست زبانی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست‌کننده می‌رسد.**

**نکته:** کتبی یا شفاهی بودن نحوه‌ی درخواست در امور حسبی، به اختیار درخواست‌کننده بوده و ارتباطی با سواد یا بی سواد بودن درخواست‌کننده ندارد.



#### ۱۳- کدام گزینه نادرست است؟

- الف) درخواست در امور حسبی می‌بایست به صورت کتبی باشد.

- (ب) درخواست در امور حسبی ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.  
 (ج) درخواست بدون امضاء قابل رسیدگی نیست.  
 (د) درخواست شفاهی در صورت مجلس نوشته شده و به امضای درخواست کننده می‌رسد.

**ماده ۱۴-** در امور حسبی دادرس باید هر گونه بازجوئی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد، هر چند درخواستی از دادرس نسبت به آن اقدام نشده باشد و در تمام مواقع رسیدگی می‌تواند دلائلی که مورد استناد واقع می‌شود قبول نماید.

**نکته:** در امور ترافیعی نمی‌توان در هر زمان و موقعیت، دلایل را پذیرفت و ماده ۱۹۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ نیز در کنار سایر اصول، اعمال خواهد شد.

**۱۴- دادرس در امور مسبی تا چه زمانی می‌تواند دلایل را قبول کند؟** (مشاوران ۱۳۹۲)

- (الف) تا پایان اولین جلسه دادرسی  
 (ب) تا قبل از اولین جلسه رسیدگی  
 (ج) در زمان رسیدگی دلیل جدید پذیرفته نمی‌شود.  
 (د) در تمام مواقع رسیدگی

**۱۵- در امور مسبی .....**

- (الف) دادرس هیچ‌گونه محدودیتی ندارد و باید هر گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد.  
 (ب) در امور مهم فقط دادرس مجاز است با درخواست از وی اقدامات و بازجویی‌هایی را که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد.  
 (ج) دادرس فقط در صورت درخواست از وی اقدامات و بازجوئی‌هایی را که برای اثبات قضیه لازم است به عمل می‌آورد.  
 (د) به تجویز رئیس حوزه قضائی، دادرس در امور مهم می‌بایست همه گونه بازجویی و اقدامی که برای اثبات قضیه لازم است به عمل آورد.

**ماده ۱۵-** اشخاص ذینفع می‌توانند شخصاً در دادگاه حاضر شوند یا نماینده بفرستند و نیز می‌توانند کسی را به سمت مشاور همراه خود به دادگاه بیاورند و در صورتی که نماینده به دادگاه فرستاده شود نمایندگی او باید نزد دادرس محرز شود.  
**تبصره-** نماینده اعم از وکلای دادگستری یا غیر آن‌ها است.



**نکته:** نماینده‌ی دادستان برای رسیدگی به امور حسبی در دادگاه ممکن است دارای سمت قضایی بوده یا فاقد چنین سمتی باشد. بنابراین حضور کارمندان اداری به عنوان نماینده‌ی دادستان منعی ندارد.



#### ۱۶- به موجب ماده ۱۵ قانون امور مسبی اشخاص ذینفع می‌توانند شفاً در دادگاه حاضر شوند یا

نماینده بفرستند، منظور از نماینده ..... (مشاوران ۱۳۸۸)

- الف) هر کسی است که نمایندگی او برای دادگاه محرز شود اعم از وکیل دادگستری یا غیر آن.  
 ب) هر کسی است به شرط ارائه‌ی وکالت‌نامه‌ی رسمی تنظیمی در دفترخانه اسناد رسمی.  
 ج) با رعایت قانون وکالت، صرفاً وکیل دادگستری است.  
 د) نماینده قضایی مثل امین است که در موارد خاصی توسط دادگاه منصوب می‌شود.

**ماده ۱۶- حساب مواعد به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده است و اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد روز بعد از تعطیل خواهد بود.**

**نکته:** در مواردی که قانون‌گذار موعده خاصی پیش‌بینی نکرده است، اختیار تعیین موعده با دادگاه خواهد بود. موعده دادگاه باید به مقداری باشد که انجام امر مورد نظر در آن امکان داشته باشد.



#### ۱۸- در قانون امور مسبی ترتیب مناسبه مواعد .....

- الف) به ترتیب مقررات خاص امور حسبی است به طوری که اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد، روز پیش از تعطیل خواهد بود.  
 ب) به ترتیب مقررات خاص قانون امور حسبی است، به طوری که اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد، روز بعد از تعطیل خواهد بود.  
 ج) به ترتیب مقرر در آیین دادرسی مدنی است به طوری که اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود آخر موعد، روز قبل از تعطیل خواهد بود.  
 د) به ترتیبی است که در آیین دادرسی مدنی ذکر شده است به طوری که اگر روز آخر موعد مصادف با تعطیل شود، آخر موعد، روز بعد از تعطیل خواهد بود.

**ماده ۱۷- در مهلت‌هایی که مسافت رعایت می‌شود ترتیب آن مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به مسافت است.**

**نکته:** در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ مهلت‌های تعیین شده بر مبنای مسافت براساس ماده ۶۱۵ رعایت می‌شود، اما در قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ این ماده از قانون حذف شده است. بنابراین ماده ۱۷ قانون امور حسبی در حال حاضر اثر حقوقی خاصی ندارد.

**ماده ۱۸-** اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن، رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند.

**نکته:** به موجب ماده ۲۲ قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶/۸/۱: «طرفین می‌توانند پرونده اجرایی را ملاحظه و رونوشت یا فتوکپی بگیرند. هزینه رونوشت یا فتوکپی به میزان مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی اخذ می‌شود».

#### ۱۸- در امور حسبی .....

- الف) اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده‌های امور حسبی را ملاحظه نموده و از محتویات آن رونوشت گواهی شده از دادگاه بگیرند.
- ب) به دلیل مهم بودن امور حسبی اشخاص ذینفع تنها می‌توانند پرونده را ملاحظه نمایند و حق گرفتن رونوشت ندارند.
- ج) اشخاص ذینفع می‌توانند پرونده امور حسبی را ملاحظه و از محتویات آن رونوشت گواهی شده یا گواهی نشده از دفتر دادگاه بگیرند.
- د) تنها با موافقت دادستان می‌توانند از اوراق رونوشت بگیرند.

**ماده ۱۹-** هرگاه ضمن رسیدگی به امور حسبی دعوایی از طرف اشخاص ذینفع حادث شود که رسیدگی به امور حسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد، دادرس در صورت درخواست، دستور موقتی در موضوع آن دعوی مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید.

**نکته ۱:** اگر دادستانی پیشنهاد نصب قیم را برای صغیر مطرح نماید و در ضمن رسیدگی، شخصی دعوای اثبات نسب مطرح نماید، بدیهی است اگر این دعوا به نتیجه رسد، ولایت قهری پدر، اجازه‌ی دخالت قیم را نخواهد داد و دادگاه نمی‌تواند قیم تعیین کند. در حالت کلی، رسیدگی به درخواست اول متوقف می‌ماند، اما در این موارد دادگاه می‌تواند برای سرپرستی کودک اقدام نماید

و این اقدام حتی می‌تواند تصمیم به نصب شخص به عنوان قیم در قالب دستور موقت باشد تا وضعیت طفل تا زمان رسیدگی به دعوی اثبات نسب در ابهام نباشد.

**نکته ۲:** با تصریح قسمت اخیر ماده ۱۹ قانون امور حسبی مبنی بر لزوم رعایت قواعد دادرسی فوری، باید مقررات آیین دادرسی مدنی در مورد دستور موقت را رعایت نمود. از جمله، به موجب تبصره ۱ ماده ۳۲۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ «اجرای دستور موقت مستلزم تأیید رئیس حوزه قضایی است».

**نکته ۳:** به موجب ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «هرگاه رسیدگی به دعوا منوط به اثبات ادعایی باشد که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه دیگری است، رسیدگی به دعوا تا اتخاذ تصمیم از مرجع صلاحیت‌دار متوقف می‌شود. در این مورد، خواهان مکلف است ظرف یک ماه در دادگاه صالح اقامه دعوا کند و رسید آن را به دفتر دادگاه رسیدگی‌کننده تسلیم نماید، در غیراین صورت قرار رد دعوا صادر می‌شود و خواهان می‌تواند پس از اثبات ادعا در دادگاه صالح مجدداً اقامه‌ی دعوی نماید».



#### ۱۹- هرگاه ضمن رسیدگی به امور مسبی دعوایی از طرف اشخاص ذی‌نفع حادث شود که رسیدگی به امور مسبی متوقف به تعیین تکلیف نسبت به آن دعوی باشد، دادرس .....

الف) می‌تواند با درخواست ذینفع و گرفتن خسارت احتمالی دستور موقتی در این خصوص صادر کند.  
ب) دادرس با درخواست ذینفع دستور موقتی در خصوص دعوا صادر می‌نماید ولی گرفتن خسارت احتمالی لازم نیست.  
ج) در صورت درخواست، دستور موقتی در موضوع آن دعوا مطابق مقررات دادرسی فوری صادر می‌نماید.  
د) باید در مقابل درخواست از وی دستور موقت در خصوص دعوی صادر نماید ولی گرفتن خسارت احتمالی لازم نیست.

**ماده ۲۰- اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی مخصوص به مواردی است که در قانون تصریح شده است.**

**نکته ۱:** به موجب ماده ۱۶ قانون اصلاح قسمتی از قانون تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۱۵، وظایف دادستان دو قسم است: ۱- وظایف قضایی ۲- وظایف اداری. وظایف اداری دادستان عبارت است از: حفظ حقوق صغار و مجانبین و غایب مفقودالاثَر، حفظ ترکه‌ی متوفای در صورت غیبت یا معلوم نبودن ورثه یا بعضی از آنها.

**نکته ۲:** به موجب ماده ۱۲۲۳ قانون مدنی و ماده ۵۹ قانون امور حسبی، دادستان مکلف است در موضوع جنون و سفاهت اشخاص غیر رشید، نظریات خبره و اطلاعات کافی در باب سفاهت را

به دست آورده و از دادگاه درخواست صدور حکم حجر نماید.

**نکته ۳:** به موجب ماده ۶۵ قانون امور حسبی و ماده ۱۲۲۲ قانون مدنی، پس از قطعیت حکم حجر و در هر موردی که دادستان به وجود شخصی که مطابق ماده ۱۲۱۸ قانون مدنی باید برای او نصب قیم شود اطلاع حاصل نمود، باید اشخاصی را که صلاحیت قیمومت دارند را به دادگاه معرفی کند.

**نکته ۴:** طبق ماده ۱۲۲۴ قانون مدنی حفظ و نظارت در اموال صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید، مادام که برای آن‌ها قیم معین نشده، به عهده‌ی دادستان خواهد بود.

**نکته ۵:** پس از نصب قیم، مواظبت شخص محجور و نمایندگی قانونی او در کلیه‌ی امور مربوط به اموال و حقوق مالی او با قیم بوده و دادستان ناظر بر اعمال قیم است (مواد ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۸، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ قانون مدنی).

**نکته ۶:** به موجب ماده ۱۲۲۵ قانون مدنی، همین‌که حکم حجر یک نفر صادر و برای او قیم معین گردید، دادستان می‌تواند حجر او را اعلان نماید. انتشار حجر هر کسی که ممکن است نسبت به وضعیت دارایی او طرف معامله‌ی عمده واقع گردد، الزامی است.

**نکته ۷:** مطابق ماده ۱۲۲۹ قانون مدنی، وظایف و اختیاراتی که به موجب قوانین، در مورد دخالت دادستان در امور صغار و مجانین و اشخاص غیر رشید مقرر است، در خارج ایران به عهده‌ی مامورین کنسولی سفارت ایران خواهد بود.

**نکته ۸:** هرگاه ولی قهری طفل، رعایت غبطه‌ی صغیر را ننماید و مرتکب اقداماتی شود که موجب ضرر صغیر گردد، دادستان درخواست عزل او را از دادگاه می‌نماید و پس از عزل ولی قهری، برای اداره‌ی امور مالی صغیر، درخواست تعیین قیم می‌نماید (ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی).

**نکته ۹:** در مواردی که برای عدم امانت ولی قهری نسبت به دارایی طفل، امارات قویه موجود باشد، دادستان مکلف است از دادگاه، رسیدگی به عملیات او را بخواهد و در صورتی که عدم امانت او معلوم شد، مطابق ماده ۱۱۸۴ قانون مدنی؛ ولی قهری، عزل شده و برای اداره‌ی امور مالی طفل و تصرف در اموال او قیم تعیین می‌شود.

**نکته ۱۰:** مطابق ماده ۱۱۸۵ قانون مدنی، هرگاه ولی قهری کودک محجور شود، دادستان مکلف است مطابق مقررات راجع به تعیین قیم، قیمی برای طفل معین کند.

**نکته ۱۱:** از جمله موارد دیگر اقدام و دخالت دادستان در امور حسبی می‌توان به مواد ۶۶، ۶۸، ۸۸، ۸۹، ۹۷، ۱۰۷، ۱۱۳، ۱۳۰، ۱۴۲، ۱۴۶، ۱۵۶، ۱۷۲، ۱۷۳، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۵۸، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون امور حسبی اشاره نمود.



## ۲۰- دادستان در چه مواردی حق دفالت در امور مسبی را دارد؟

- |                |                                    |
|----------------|------------------------------------|
| الف) امور صغار | ب) امور مجانین                     |
| ج) امور غایب   | د) در مواردی که در قانون تصریح شده |

**ماده ۲۱-** در مواردی که دادستان مکلف به اقدام می‌باشد اقدام به عهده‌ی دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه آن دادگاه به عمل می‌آید.

**۲۱-** در مواردی که دادستان مکلف به اقدام می‌باشد .....

- الف) اقدام به عهده‌ی دادستانی کل کشور است و با تفویض آن به عهده‌ی دادستان تفویض شونده است.  
 ب) اقدام به عهده‌ی دادرسی دادگاه شهرستانی است که رسیدگی در حوزه‌ی آن دادگاه به عمل می‌آید.  
 ج) اقدام به عهده‌ی دادرسی دادگاه استانی است که رسیدگی در حوزه‌ی آن استان به عمل می‌آید.  
 د) اقدام به عهده‌ی دادستانی است که نماینده‌ی خاص رئیس قوه‌ی قضائیه در امور حسب معین می‌کند.

**ماده ۲۲-** دادرس پس از تمام شدن بازجویی و رسیدگی، منتهی در ظرف دو روز تصمیم خود را اعلام می‌نماید.

**نکته ۱:** به موجب ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «پس از اعلام ختم دادرسی در صورت امکان دادگاه در همان جلسه انشاء رای نموده و به اصحاب دعوا اعلام می‌نماید. در غیر این صورت حد اکثر ظرف یک هفته انشاء و اعلام رای می‌کند».

**نکته ۲:** مدت ۲ روز برای اتخاذ «تصمیم» است نه «صدور رأی» به معنای عمومی که شامل احکام و قرارها می‌شود؛ که در این موارد، همان مدت ۷ روزه‌ی مقرر در ماده ۲۹۵ قانون آیین دادرسی مدنی اعمال می‌شود.



**۲۲-** دادرس پس از تمام شدن بازجویی و رسیدگی به امور متبسی ..... باید تصمیم خود را اعلام می‌نماید.

- الف) مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی و حداکثر ظرف یک هفته  
 ب) ظرف ۱۰ روز  
 ج) منتهی در ظرف دو روز  
 د) ظرف ۵ روز

**ماده ۲۳-** تصمیم دادرس باید موجه و مدلل باشد.

**نکته:** شرایطی که در ماده ۲۹۶ قانون آیین دادرسی مدنی آمده است موجه و مدلل بودن تصمیم را به خوبی نشان می‌دهد؛ و اساساً به نظر می‌رسد که تمام شرایط مقرر در مواد مربوط به صدور رأی

که در قانون مزبور آمده است، در مورد امور حسبی نیز قابل اعمال می‌باشند.



**ماده ۲۴-** در مواردی که تصمیمات دادگاه باید ابلاغ شود ترتیب ابلاغ مانند مقررات آیین دادرسی مدنی است.

**نکته ۱:** به موجب ماده ۳۰۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «مدیر دفتر دادگاه موظف است فوری پس از امضای دادنامه، رونوشت آن را به تعداد اصحاب دعوا تهیه و در صورتی که شخصاً یا وکیل یا نماینده‌ی قانونی آن‌ها حضور دارند به آنان ابلاغ نماید و الا به مامور ابلاغ تسلیم و توسط وی به اصحاب دعوا ابلاغ گردد».

**نکته ۲:** مطابق ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «هیچ حکم یا قرار را نمی‌توان اجراء نمود مگر این که به صورت حضوری و یا به صورت دادنامه یا رونوشت گواهی شده آن به طرفین یا وکیل آنان ابلاغ شده باشد. نحوه ابلاغ دادنامه و رونوشت آن برابر مقررات مربوط به ابلاغ دادخواست و سایر اوراق رسمی خواهد بود».

تصره - چنانچه رای دادگاه غیابی بوده و محکوم‌علیه مجهول‌المان باشد، مفاد رای بوسیله‌ی آگهی در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز یا محلی با هزینه خواهان برای یک بار به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. تاریخ انتشار آگهی، تاریخ ابلاغ رای محسوب می‌شود».

**نکته ۳:** به موجب ماده ۹ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱: «تشریفات و نحوه‌ی ابلاغ در دادگاه خانواده تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نامبر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به آن طریق انجام دهد. در هر صورت، احراز صحت ابلاغ با دادگاه است».



**ماده ۲۵-** در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید دادرسی می‌تواند ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.

**نکته:** مطابق این ماده، در قضیه‌ی امور حسبی، دادرسی دادگاه در ابلاغ تصمیمات دادگاه در کشور بیگانه می‌تواند مقررات دادرسی را رعایت نکرده و شیوه‌ی آسان‌تری نظیر ابلاغ از طریق بستگان

شخص که در خارج سکونت دارند را در پیش گیرد.



### ۲۳- در صورتی که ابلاغ در کشور بیگانه باید به عمل آید ..... .

- الف) به وسیله‌ی مأموران کنسولی سفارت جمهوری اسلامی ایران به عمل می‌آید.  
 ب) توسط جراید آن کشور آگهی می‌گردد.  
 ج) دادرسی می‌تواند ترتیب سهل‌تری برای ابلاغ در نظر گرفته و دستور دهد.  
 د) گزینه الف و ج.

**ماده ۲۶-** هرگاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد تصمیم دادگاه به او اعلام و این عمل ابلاغ محسوب است و رونوشت نیز به او داده می‌شود.

**نکته ۱:** برای ابلاغ تصمیم دادگاه، لازم نیست که رأی را به صورت دادنامه تنظیم و به شخص ابلاغ نمایند بلکه ابلاغ تصمیم دست‌نویس دادگاه و دادن کپی به شخص یا حتی بدون آن نیز می‌تواند منشاء اثر شود.

**نکته ۲:** ابلاغ در دادگاه، کلیه‌ی آثار ابلاغ واقعی را دارا است.



### ۲۴- هرگاه شخصی که تصمیم دادگاه باید به او ابلاغ شود در دادگاه حاضر باشد ..... .

الف) تصمیم دادگاه به او اعلام می‌شود، اما این عمل ابلاغ محسوب نمی‌شود ولی به دلیل این که دفتر، رونوشت آن را به وی بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی ابلاغ می‌کند، ممکن است ابلاغ واقعی یا قانونی باشد.

ب) تصمیم دادگاه به او اعلام می‌شود ولی این عمل ابلاغ محسوب نمی‌شود و ابلاغ قانونی، متعاقب آن صورت می‌پذیرد.

ج) تصمیم دادگاه به او اعلام می‌شود و این عمل ابلاغ قانونی است.

د) تصمیم دادگاه به او اعلام می‌شود و این عمل ابلاغ واقعی است.

**ماده ۲۷-** تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام نیست جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

**نکته ۱:** عنوان ویژه‌ای که در دادرسی امور حسبی برای اعلام نظر دادگاه به کار می‌رود، «تصمیم» نام

دارد. این عنوان در مواد ۱۱، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۲، ۳۷ الی ۴۱ و ۴۴ از قانون امور حسبی استفاده شده است.

**نکته ۲:** براساس بند ۲ قسمت «الف» ماده ۳۶۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت قابل فرجام هستند».

**نکته ۳:** با عنایت به مواد ۱، ۳۳۰ و ۳۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۲۷ قانون امور حسبی، آن دسته از آرای امور حسبی که عنوان دعوا بر آن صدق نمی‌کند، قطعی است.

#### ۲۵- تصمیمات دادگاه در امور مسبی .....

(مشاوران ۱۳۸۰)

الف) قطعی است. (ب) قطعی است مگر آنچه در قانون تصریح شده است.

ج) قابل تجدید نظر است. (د) هیچکدام

#### ۲۶- کدام گزینه صمیم است؟

(مشاوران ۸۴)

الف) تصمیم دادگاه در امور حسبی در تمام موارد قابل پژوهش و فرجام است.

ب) تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش است ولی قابل فرجام نیست.

ج) تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش نیست، جز آنچه در قانون تصریح شده است.

د) تصمیم دادگاه در امور حسبی قابل پژوهش و فرجام است جز آنچه در قانون تصریح شده باشد.

**ماده ۲۸-** مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور حسبی دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادر کننده تصمیم در مورد دعاوی دارد.

**نکته:** به موجب ماده ۳۳۴ قانون آیین دادرسی مدنی: «مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه‌های عمومی و انقلاب هر حوزه‌ای، دادگاه تجدیدنظر مرکز همان استان می‌باشد».

#### ۲۷- مرجع شکایت پژوهشی از تصمیمات قابل پژوهش در امور مسبی .....

الف) دادگاهی است که مطابق آیین دادرسی مدنی صلاحیت رسیدگی پژوهشی به احکام دادگاه صادر کننده تصمیم در مورد دعاوی را دارد.

ب) مرجع صادر کننده تصمیم قابل پژوهش است.

ج) مرجع شکایت، هیئت ۳ نفره منتخب قوه قضائیه، شورای اسلامی شهر و هیئت ۴ نفره است.

د) مرجع شکایت پژوهشی، شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان تهران است.



**ماده ۲۹-** مدت پژوهش همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده.

**نکته:** به موجب ماده ۳۳۶ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «مهلت درخواست تجدیدنظر اصحاب دعوا برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت و اخواهی است».

### ۲۸- مدت پژوهش در مورد تصمیمات امور حسبی .....

- (الف) ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم می‌باشد.  
 (ب) همان است که برای پژوهش احکام در آیین دادرسی مدنی مقرر شده است.  
 (ج) برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۲ ماه از تاریخ ابلاغ است.  
 (د) همه گزینه‌ها به جز گزینه الف.

**ماده ۳۰-** در صورتی که پژوهش‌خواه اثبات کند که پژوهش نخواستن او در موعد به واسطه عذر موجه بوده و در ظرف ده روز از تاریخ رفع عذر، پژوهش بخواهد دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهشی است می‌تواند مهلت پژوهش را تجدید نماید مشروط به اینکه از تاریخ انقضای مدت پژوهش بیش از شش ماه نگذشته باشد.

**نکته ۱:** به موجب ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «در صورتی که در مهلت مقرر دادخواست تجدیدنظر به مراجع مذکور در ماده قبل تقدیم نشده باشد، متقاضی تجدیدنظر با دلیل و بیان عذر خود، تقاضای تجدیدنظر را به دادگاه صادرکننده رأی تقدیم می‌نماید. دادگاه مکلف است ابتدا به عذر عنوان شده که به موجب عدم تقدیم دادخواست در مهلت مقرر بوده رسیدگی و در صورت وجود عذر موجه نسبت به پذیرش دادخواست تجدیدنظر اتخاذ تصمیم می‌نماید».

**نکته ۲:** تفاوت‌های ماده ۳۰ قانون امور حسبی و ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی عبارت است از: ۱- در قانون آیین دادرسی مدنی، دادگاه بدوی به عذر موجه رسیدگی می‌نماید، اما طبق قانون امور حسبی این وظیفه به عهده دادگاه تجدیدنظر است. ۲- در امور حسبی متقاضی تجدیدنظر باید ظرف ۱۰ روز پس از رفع عذر موجه، درخواست خود را تقدیم دارد، اما در قانون آیین دادرسی مدنی مهلتی ذکر نشده است. ۳- در امور حسبی از تاریخ انقضای مدت تجدیدنظر نباید بیش از ۶ ماه گذشته باشد، اما در قانون آیین دادرسی مدنی مدتی ذکر نشده است. ۴- به موجب تبصره ماده ۳۴۰ قانون آیین دادرسی مدنی، جهات عذر همان موارد مذکور در ذیل ماده ۳۰۶ آن

قانون است، اما در امور حسبی این محدودیت وجود ندارد.



**۲۹-** در صورتی که پژوهش خواه اثبات کند پژوهش نخواستن او در موعد مقرر بواسطه عذر موجه بوده .....

- الف) اگر در ظرف ۱۰ روز از تاریخ رفع عذر پژوهش بخواهد مرجع رسیدگی پژوهشی می تواند مدت پژوهش را تجدید نماید، مشروط به اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش، بیش از شش ماه نگذشته باشد.
- ب) اگر در ظرف ۲۰ روز از تاریخ رفع عذر، پژوهش خواهی کند مرجع رسیدگی پژوهش می تواند مدت پژوهش را تجدید نماید، مشروط بر اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از ۶ ماه نگذشته باشد.
- ج) اگر در ظرف ۱۰ روز از تاریخ رفع عذر پژوهش خواهی کند دادگاه می تواند مدت پژوهش را تجدید نماید.
- د) باید ظرف ۱۰ روز از تاریخ رفع عذر پژوهش خواهی کند، مگر اینکه از تاریخ انقضاء مدت پژوهش بیش از ۲ ماه گذشته باشد.

**ماده ۳۱-** مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.

**نکته:** اگر عذر موجه در امور حسبی احراز شود، دادگاهی که مرجع پژوهشی است می تواند مهلت تجدید نظر را تمدید نماید. مهلت جدید نباید بیش از موعد پژوهشی باشد و تجدید مهلت نیز فقط یک دفعه پذیرفته می شود.



**۳۰-** مهلت جدیدی که پس از اثبات عذر موجه توسط مرجع پژوهشی داده می شود .....

الف) می تواند حسب الاقتضاء بیش از مدت پژوهشی باشد.

ب) نباید بیش از مدت پژوهشی باشد.

ج) نباید بیش از مدت پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت بیش از یک دفعه پذیرفته نیست.

د) نباید بیش از مدت پژوهشی باشد و درخواست تجدید مهلت می تواند حداکثر تا ۲ دفعه پذیرفته شود.

**ماده ۳۲-** شکایت پژوهشی به دفتر دادگاهی که صادر کننده تصمییم مورد شکایت بوده داده می شود و دفتر نامبرده باید فوراً شکایت نامه را ثبت و رسید آن را به شاکی داده و منتهی در ظرف دو روز شکایت نامه پژوهشی را با برگ های مربوط به آن به دادگاهی که مرجع

رسیدگی پژوهشی است بفرستند.

**نکته:** در دعاوی مدنی، بعد از تجدیدنظر خواهی باید مفاد دادخواست و ضمایم آن را به طرف مقابل ابلاغ و بعد از دریافت پاسخ، مجموعاً به دادگاه تجدیدنظر ارسال نمود. اما در امور حسبی به نظر می‌رسد که طبع متفاوت این امور در برخی موارد اقتضای تبادل لوایح را ندارد و به صرف درخواست معترض باید درخواست یا دادخواست او را برای مرجع بالاتر ارسال نمود.



### ۳۱- شکایت پژوهشی در تصمیمات مورد پژوهش .....

- الف) به دفتر دادگاهی که صادر کننده تصمیم مورد شکایت بوده است یا دفتر شعبه اول دادگاه تجدیدنظر یا به دفتر بازداشتگاهی که در آنجا توقیف شده است داده می‌شود.
- ب) مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی صورت می‌پذیرد.
- ج) به دفتر دادگاهی که صادر کننده تصمیم مورد شکایت بوده است یا دفتر شعبه اول دادگاه تجدیدنظر داده می‌شود.
- د) به دفتر دادگاهی که صادر کننده تصمیم مورد شکایت بوده داده می‌شود.

**ماده ۳۳- شکایت پژوهشی ممکن است شفاهی باشد در این صورت شکایت نامبرده در صورت مجلس دادگاه درج و به امضای شاکی و دادرس می‌رسد و این صورت مجلس با برگ‌های مربوطه به دادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی فرستاده خواهد شد.**



### ۳۲- در امور مسبی شکایت پژوهشی نسبت به تصمیم قابل پژوهش، .....

- الف) حتماً می‌بایستی کتبی و در فرم مخصوص نوشته و تقدیم گردد.
- ب) ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.
- ج) در موارد معین در قانون امور حسبی می‌تواند شفاهی باشد.
- د) طبق تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

**ماده ۳۴- شکایت پژوهشی ممکن است مبنی بر جهات یا ادله جدید باشد.**

**نکته ۱:** «جهات» و «ادله» با هم تفاوت دارند؛ جهت، مسیر حرکت دعوا و درخواست را نشان می‌دهد اما دلیل، به این حرکت کمک می‌کند و جهتی که فاقد دلیل باشد نمی‌تواند به مدعی کمک نماید.

**نکته ۲:** تغییر درخواست صدور حکم حجر از جهت جنون به سفاهت یا تغییر جهات عزل قیم، از موارد ماده‌ی فوق می‌باشد.



**ماده ۳۵-** شکایت پژوهشی موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجرای آن را بدهد.

**نکته ۱:** به موجب ماده ۳۴۷ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «تجدیدنظرخواهی از آرای قابل تجدیدنظر که در قانون احصاء گردیده مانع اجرای حکم خواهد بود، هرچند دادگاه صادرکننده‌ی رأی، آن را قطعی اعلام نموده باشد مگر در مواردی که طبق قانون استثناء شده باشد».

**نکته ۲:** با توجه به ماهیت امور حسبی که بعضاً اقتضای سرعت را دارند و تصمیم‌هایی که بدون ترافع و دعوا صادر می‌شود، شکایت پژوهشی (تجدید نظر خواهی) مانع اجرای آن تصمیمات نمی‌باشد، مثل تصمیم دادگاه راجع به عزل قیم که قابل پژوهش است و تا زمانی که تکلیف قطعی معین نشده، امور صغیر به وسیله‌ی دادستان یا قیمی که موقتاً برای محجور معین می‌شود انجام خواهد شد (ماده ۹۹ قانون امور حسبی).

**نکته ۳:** با عنایت به مواد ۶۶ و ۷۰ قانون امور حسبی، صدور حکم حجر، از تصمیمات قابل پژوهش دادگاه می‌باشد و اثر حجر از تاریخ قطعیت حکم مترتب می‌شود. اما به تجویز ماده ۶۴ همان قانون، دادگاه می‌تواند شخصی را که درخواست حجر او شده است، قبل از صدور حکم یا بعد از صدور حکم و قبل از قطعی شدن آن، از تصرفات در اموال خود موقتاً ممنوع نماید.



### ۳۳- شکایت پژوهشی از تصمیمات مربوط به امور مسبی .....

(الف) موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مگر اینکه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قرار تأخیر اجرای آن را صادر نماید.

(ب) موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت می‌باشد مگر اینکه از ناحیه دادگاه رسیدگی کننده‌ی پژوهشی تصمیمی مخالف در آن خصوص صادر شود.

(ج) موجب تعویق اجرای تصمیم مورد شکایت نمی‌شود مشروط به اینکه از ناحیه دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌کند قراری بر این مبنا صادر گردد.

(د) موجب تعویق اجرا تصمیم مورد شکایت می‌شود مشروط به اینکه از ناحیه دادگاه رسیدگی کننده‌ی پژوهشی تصمیمی مخالف در آن خصوص صادر شود.

**ماده ۳۶ -** تصمیم دادگاه استان به اتفاق یا به اکثریت آراء معلوم می‌شود.

**نکته ۱:** دادگاه تجدیدنظر استان با سه قاضی، متشکل از یک رئیس و دو مستشار تشکیل شده و با حضور دو عضو از سه عضو مزبور، جلسه دادگاه رسمیت می‌یابد.

**نکته ۲:** هر گاه دادگاه تجدیدنظر با دو قاضی تشکیل جلسه دهد، دادگاه می‌بایست به اتفاق آراء تصمیم‌گیری کند و اگر با سه قاضی تشکیل جلسه دهد، رأی اکثریت، حاکمیت خواهد داشت.

**۳۴- در امور مسبی تصمیم دادگاه استان .....**

(الف) به اتفاق آراء است.

(ب) به اکثریت آراء است.

(ج) به اتفاق یا به اکثریت آراء است.

(د) بنا به تشخیص رئیس شعبه اول دادگاه تجدید نظر استان است.

**ماده ۳۷ -** دادگاهی که رسیدگی پژوهشی می‌نماید هر گونه رسیدگی و تحقیقی را که مفید و لازم بداند بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آورد و پس از رسیدگی، اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آن را تایید و چنانچه نقصی در تصمیم نامبرده مشاهده کند، موافق نظر خود آن را تکمیل می‌نماید و هرگاه تصمیم مورد شکایت را صحیح نداند، آن را الغاء نموده و تصمیم مقتضی را اعلام می‌نماید.

**نکته:** به موجب ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «چنانچه دادگاه تجدیدنظر ادعای تجدیدنظرخواه را موجه تشخیص دهد، رأی دادگاه بدوی را نقض و رأی مقتضی صادر می‌نماید. در غیر این صورت با رد درخواست و تأیید رأی، پرونده را به دادگاه بدوی اعاده خواهد کرد».

**۳۵- (رسیدگی‌ها و تحقیقات در مرحله پژوهشی) .....**

(الف) با درخواست پژوهش‌خواه به عمل می‌آید.

(ب) بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آید و پس از رسیدگی اگر تصمیم مورد شکایت را صحیح بداند آن را تأیید می‌کند.

(ج) بدون احتیاج به درخواست به عمل می‌آید.

د) با درخواست به عمل می‌آید و پس از رسیدگی اگر نقضی در تصمیم مورد شکایت در صورت تأیید، مشاهده کند موافق نظر خود آن را تکمیل می‌نماید.

**ماده ۳۸-** هرگاه در تصمیم دادگاه اشتباهی در حساب یا سهو قلم یا اشتباهات دیگری رخ دهد مثل از قلم افتادن نام یکی از اشخاص ذینفع یا زیاد شدن نامی مادام که آن تصمیم به وسیله شکایت به دادگاه بالاتر از دادگاه خارج نشده باشد دادگاه صادر کننده تصمیم مستقلاً یا به درخواست یکی از اشخاص ذینفع آن را تصحیح می‌نماید و این تصحیح زیر تصمیم دادگاه یا برگ دیگری که پیوست آن می‌شود نوشته خواهد شد. دادن رونوشت از تصمیم دادگاه بدون پیوست نامبرده ممنوع است. تصحیح به اشخاصی که تصمیم دادگاه باید ابلاغ شود ابلاغ می‌شود و در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است تصحیح آن هم در مدت مقرر برای پژوهش قابل پژوهش خواهد بود.

**نکته ۱:** مطابق ماده ۳۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه سهو قلم رخ دهد مثل از قلم افتادن کلمه‌ای یا زیاد شدن آن و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد، تا وقتی که از آن درخواست تجدیدنظر نشده، دادگاه رأساً یا به درخواست ذی‌نفع رأی را تصحیح می‌نماید. رأی تصحیحی به طرفین ابلاغ خواهد شد. تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رونوشت رأی تصحیحی ممنوع است. حکم دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده در صورت قطعیت اجراء خواهد شد.

تبصره ۱- در مواردی که اصل حکم یا قرار دادگاه قابل واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام است تصحیح آن نیز در مدت قانونی قابل واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام خواهد بود.  
تبصره ۲- چنانچه رأی مورد تصحیح به واسطه واخواهی یا تجدیدنظر یا فرجام نقض گردد رأی تصحیحی نیز از اعتبار خواهد افتاد».

**نکته ۲:** به موجب ماده ۳۶۰ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹: «هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه تجدیدنظر، سهو یا اشتباهی رخ دهد، همان دادگاه با رعایت ماده (۳۰۹) آن را اصلاح خواهد کرد».

✍

**ماده ۳۹-** هرگاه تصمیم دادگاه از اعتبار افتاده باشد تصحیح هم از اعتبار خواهد افتاد.

**۳۶- اگر تصمیم دادگاه پس از رفع اشتباه تصمصیح گردد.....**

- الف) در مواردی که تصمیم دادگاه قابل پژوهش است، تصمصیح آن هم در مدت مقرر قابل پژوهش است و اگر تصمیم از اعتبار افتاده باشد، تصمصیح آن هم از اعتبار خواهد افتاد.
- ب) در موارد قابل پژوهش نبودن تصمیم، تصمصیح قابل پژوهش و در صورت از اعتبار افتادن تصمیم، تصمصیح معتبر نیست.
- ج) در صورت قابل پژوهش بودن تصمیم، تصمصیح قابل پژوهش و در صورت از اعتبار افتادن تصمیم، تصمصیح آن معتبر خواهد بود.
- د) در صورت قابل پژوهش بودن تصمیم، تصمصیح قابل پژوهش نیست و در صورت از اعتبار افتادن تصمیم، تصمصیح آن معتبر است.

**ماده ۴۰- هرگاه دادگاه رأیاً یا بر حسب تذکر به خطای تصمیم خود بر خورد، در صورتی که آن تصمیم قابل پژوهش نباشد می‌تواند آن را تغییر دهد.**

**تذکره:** در مواردی که تصمیم دادگاه قابل تجدیدنظر است، چنانچه دادگاه بدوی متوجه خطای تصمیم خود شود، می‌تواند موارد را به دادگاه تجدیدنظر اطلاع دهد و تصمیم دادگاه تجدیدنظر برای آنها حجت خواهد بود.

.....  
 .....

**۳۷- هرگاه دادگاه رأیاً یا بر حسب تذکر به خطای تصمیم خود مواجه شود.....**

- الف) در صورتی که تصمیم قابل پژوهش نباشد تنها با درخواست می‌تواند آن را تغییر دهد.
- ب) در صورتی که تصمیم قابل پژوهش باشد در این صورت دادگاه می‌تواند آن را تغییر دهد.
- ج) در صورتی که تصمیم قابل پژوهش نباشد دادگاه می‌تواند آن را تغییر دهد.
- د) در صورتی که تصمیم قابل پژوهش نباشد تنها با درخواست می‌تواند آن را تغییر دهد.

**ماده ۴۱- تصمیمی که در زمینه درخواستی به عمل آمده است تغییر آن هم محتاج به درخواست است.**

.....  
 .....